



حقوق بگیران انگلیس

در ایران ؟


اسماعیل رائین



می خوران را نه اگر خواهد بردارزند  
گفرد عارف و عامی همه بردار آفند

وریه دژخیم کند حکم که شان گوش برد  
همه گوش است که در کوچه و بازار آفند  
قآنی

<http://www.chobayadkard.com>



<http://www.chobayadkard.com>

# حقوق بگیران انگلیس در ایران

اسماعیل رائین



<http://www.chobayadkard.com>



حقوق بگیران انگلیس در ایران

نوشته: اسماعیل رائین

چاپ: چاپخانه علمی

نوبت چاپ: نهم - ۱۳۷۳

تیراز: ۲۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق محفوظ



<http://www.chobayadkard.com>

•  
•

-

•

## پیشگفتار

قرن گذشته، دوران ناتوانی مملکت ما بود و مقدرات ایران در معرض زدوبندها و سازشهای دو دولت قوی روس و انگلیس قرار داشت. در تمام این مدت، دو کشور همسایه جز پیش بردن مطامع و نیات استعمارگرانه خود هیچ هدفی نداشتند و در این راه پای بند هیچ قانون مدنی و اخلاقی و بین‌المللی نبودند.

رقابستی پی گیر میان آنان حکمفرما بود و در عین حال در محو و نابود کردن حقوق حاکمیت ایران بر یکدیگر سبقت می جستند و جالبتر اینکه هر گاه منافع و مصالح بزرگتری ایجاب میکرد؛ میان آندو سازشی علیه میهن ما بعمل میآمد و باز، روس و انگلیس متفقاً کلاه ایران را بر میداشتند.

در کشاکش این ماجراهای سیاسی کارنامه بسیاری از زمامداران وقت ایران سیاه است. از چند نفر که بگذریم، اکثر کسانی که در آن روزگار بر مقدرات ایران حکومت داشتند صاحب شخصیت و کاردانی و پاکدامنی سیاسی نبودند. از گروه اول عباس میرزا، میرزا بزرگ قائم مقام، میرزا ابوالقاسم قائم مقام و میرزا تقی خان امیرکبیر را باید نام ببریم که معروف روح و وطنپرستی و فداکاری و دفاع از حقوق ملی و حاکمیت ایران بودند و همواره علیه استعمارگران بیارز و برخاستند و در برابر تعدیات پی در پی و زورگوئیهای روس و انگلیس ایستادگی نمودند. اینان آزاد مردانی بودند که رشوه، یا مقرری و حقوقی از کسی نمی گرفتند، و بهمین مناسبت حتی دشمنانشان آنانرا ستایش میکنند. چنانکه دکتر پلاک معروف در باره امیرکبیر می نویسد «... میرزا تقیخان مظهر وطنپرستی بود. یعنی همان اصلی که در ایران مجهول است. آنچه میدادند و او نمی گرفت خرج معدوم کردن وی شد...» همچنین انگلیسی دیگری در باره امیرکبیر مینویسد:

«... نسل تازه ایران را نمیتوان بکنی مست و فرسوده شمرد. چه این نسل میتواند مردی چون میرزا تقیخان را بوجود آورد. و در میان رجال مشرق زمین که تاریخ جدید نام آنها را ثبت کرد، مقام بی همتائی را داراست. امیرنظام همان کسی است که «دیورن» در روز روشن به چراغ دربی او میگشت. او سزاوار است که بنام انسان وافعی یعنی اشرف مخلوقات خداوندی بشمار آید.»

اما در گروه دوم با افرادی میرسیم که دارای حسن نیتی بودند، و فساد و تباهی شان چند ن زیاد نبود. اما کاری نیز نرپیش نبردند. و علت این امر آن بود که اولاً خود صاحب شخصیت و کفایت زیاد نبودند و ثانیاً گروه رجال فاسد و بیعلاقه به سرنوشت مملکت بر آنها چیره گشتند. واعطاء همین گروه دوم بودند که دفتر سیاه زندگی چند تنشان را تا آنجا که مداراک موجود اجازه میداد آفتابی کردیم و خواستیم هموطنان آن گروه را بشناسند.

اما گروه سوم - کسانی بودند که مستقیماً آلت فعل سیاست بیگانگان در ایران بشمار میرفتند. ایشان یا مستقیماً از اجانب پول میگرفتند و مستحرمی دریافت میداشتند و یا اینکه به پشتیبانی خارجی به مقامات عالیه مملکتی میرسیدند. و در ازای آن حقوق ملت ایران را در طبق اخلاص مینهادند و تسنیم سفارتخانه ها و مقامات خارجی میکردند. در میان ایندسته، میرزا ابوالحسن خان شیرازی و همشیره زاده اش میرزا محمدعلی شیرازی، میرزا آقاخان نوری و برادرش میرزا فضل الله وزیر نظام، النھیار خان آصف الدوله، میرزا مسعود گرمرودی، محمد حسینخان صدراصفهائی و پسرش عبدالله خان امین الدوله و دیگر چیره خواران و حقوق بگیران انگلیس را باید نام برد که در این کتاب بوضوح تمام از روی مداراک و اسناد متقن معرفی شده اند.

ایشان در برابر بیگانگان زبونی و پستی را بحد کمال رسانیدند و چیزی که در ذهنشان نمبگذشت منافع مملکت و حقوق ملت ایران بود. و گاهی کار آنان بجائی میرسید که مثلاً هنگامیکه میرزا ابوالحسن خان ایلچی حقوق بگیر دولت انگلیس و حکومت هندوستان از دنیا رفت، مقامات خارجی در صدد تعیین جانشین برای او آمدند و از اینکه شخصی بجای وی انتخاب شود که حقوق بگیر آنها نباشد بوحشت افتادند. کننل شیل وزیر مختار انگلیس در تهران در روز ۸ نوت ۱۸۴۶ به لرد «ابردین» وزیر خارجه وقت انگلیس نوشت: «متأسفم که مرگ میرزا ابوالحسن خان را با اطلاع شما برسانیم. هنوز ترتیبی برای انتخاب جانشین او داده نشده. ممکن است میرزا نبی خان امین الدوله باین مقام برسد. وزیر



اشاعه تشیع و کمک بطلاب شیعه و بسط تحقیقات مربوط به مذهب جعفری بود که چون درآمد آن بدست عمال امپراتوری انگلیس در هندوستان افتاد، آنان درآمد موقوفه را در راه فاسد کردن طلاب و روحانیون و بسط نفوذ خود در بین النهرین بکار بردند. و در چنان هنگامه ای در صف روحانیون کمتر کسی بود که شهامت و تقوای اخلاقی وی مانع گرفتن وجوه موقوفه گردد. بدین جهت نام بزرگوارانی چون شیخ مرتضی انصاری را یکبار دیگر باید ذکر کرد و او را از مظاهر پاکدامنی و تقوای روحانیت شیعه درین عصر دانست.

بعطلی که فعلاً جای ذکر آن در اینجا نیست، کارنامه سیاه کسانی که در دوران بیست و پنجساله دوم سلطنت ناصرائدینشاه، مصدر خدمات دولتی و خیانت های بزرگی بمملکت شدند، بوقت دیگری واگذار میشود.

در میان رجال و مزدوران ایندوره حتی نمایندگان روشنفکران و ترقی طلبانی چون میرزا حسین خان سپهسالار نیز وجود داشتند. و نمونه کار آنها، قرارداد و امتیاز ننگین «رویترا» بود، که حتی موجب اعتراض نمایندگان پارلمان انگلیس گردید و بقول لرد کرزن «یک چنین امتیاز عظیم و بی سابقه ای بمنزله بخشش نامه ای بود که از طرف کشور ایران به یک انگلیسی داده میشد. و بناید اعتراف کرد که اگر بریتانیا توانسته بود این بازی را به آخر برساند نه تنها شاه ایران مات شده بود، بلکه تزار روسیه هم بجای خود میخکوب میشد!» علاوه بر این وقتی مفاد قرارداد در مجلس عوام انگلیس مورد بحث قرار گرفت کلمات «فوق العاده و خطرناک» درباره آن بکار رفت و «درابرت لاو» وزیر دارائی انگلیس نتوانست از این «بخشش نامه» دفاع کند و در جواب اعتراضات نمایندگان گفت «ما در آن هیچ نفعی نداریم» و حتی «لرد گرانویل» وزیر خارجه وقت انگلستان در مجلس اعیان کشور خود در جواب همین سؤال که آیا این امتیاز به نفع ایران و میاست انگلیس است، اظهار داشت: «چنین امتیازنامه ای موجود است، ولی من نمیتوانم بیش از این درباره آن توضیحی بدهم».

این رسوائی بزرگ و غیر قابل بخشش که با پرداخت چند هزار لیره رشوه و پیشکشی از طرف «بارون رویترا» به شاه قاجار و میرزا حسین سپهسالار صورت گرفت، نه تنها مردم ایران را بهت زده کرد، بلکه به قول «سرهنری راولینسون»: در وقتیکه این امتیاز بطبع رسید و در دنیا منتشر گشت و دیده شد که دارای چه مزایای بیشمار است و تمام منابع ثروتی و صنعتی و فلاحی سرتاسریک مملکت چگونه بدست انگلیسها

اشاعه تشیع و کمک بطلاب شیعه و بسط تحقیقات مربوط به مذهب جعفری بود که چون درآمد آن بدست عمال امپراتوری انگلیس در هندوستان افتاد، آنان درآمد موقوفه را در راه فاسد کردن طلاب و روحانیون و بسط نفوذ خود در بین النهرین بکار بردند. و در چنان هنگامه ای در صف روحانیون کمتر کسی بود که شهامت و تقوای اخلاقی وی مانع گرفتن وجوه موقوفه گردد. بدین جهت نام بزرگوارانی چون شیخ مرتضی انصاری را یکبار دیگر باید ذکر کرد و او را از مظاهریا کداملی و تقوای روحانیت شیعه درین عصر دانست.

بعطلی که فعلاً جای ذکر آن در اینجا نیست، کارنامه سیاه کسانی که در دوران بیست و پنجساله دوم سلطنت ناصرائدینشاه، مصدر خدمات دولتی و خیانت های بزرگی بمملکت شدند، بوقت دیگری واگذار میشود.

در میان رجال و مزدوران ایندوره حتی نمایندگان روشنفکران و ترقی طلبانی چون میرزا حسین خان سپهسالار نیز وجود داشتند. و نمونه کار آنها، قرارداد و امتیاز ننگین «رویترا» بود، که حتی موجب اعتراض نمایندگان پارلمان انگلیس گردید و بقول لرد کرزن «یک چنین امتیاز عظیم و بی سابقه ای بمنزله بخشش نامه ای بود که از طرف کشور ایران به یک انگلیسی داده میشد. و بناید اعتراف کرد که اگر بریتانیا توانسته بود این بازی را به آخر برساند نه تنها شاه ایران مات شده بود، بلکه تزار روسیه هم بجای خود میخکوب میشد!» علاوه بر این وقتی مفاد قرارداد در مجلس عوام انگلیس مورد بحث قرار گرفت کلمات «فوق العاده و خطرناک» درباره آن بکار رفت و «دراپرت لاو» وزیر دارائی انگلیس نتوانست از این «بخشش نامه» دفاع کند و در جواب اعتراضات نمایندگان گفت «ما در آن هیچ نفعی نداریم» و حتی «لرد گرانویل» وزیر خارجه وقت انگلستان در مجلس اعیان کشور خود در جواب همین سؤال که آیا این امتیاز به نفع ایران و میاست انگلیس است، اظهار داشت: «چنین امتیازنامه ای موجود است، ولی من نمیتوانم بیش از این درباره آن توضیحی بدهم».

این رسوائی بزرگ و غیر قابل بخشش که با پرداخت چند هزار لیره رشوه و پیشکشی از طرف «بارون رویترا» به شاه قاجار و میرزا حسین سپهسالار صورت گرفت، نه تنها مردم ایران را بهت زده کرد، بلکه به قول «سرهنری راولینسون»: در وقتیکه این امتیاز بطبع رسید و در دنیا منتشر گشت و دیده شد که دارای چه مزایای بیشمار است و تمام منابع ثروتی و صنعتی و فلاحی سرتاسریک مملکت چگونه بدست انگلیسها

افتاده است، هیچکس قادر نبود این موضوع را پیش بینی کند که روزی یک چنین امتیاز مهمی بدست یکی از اتباع دولت انگلیس بیفتد. علاوه بر تمام خطوط راه آهن ایران و تراموای که انحصار آن تا هفتاد سال به بارون رو پتر واگذار شده بود، کلیه معادن ایران نیز با مستثنای معادن طلا و نقره و سنگهای قیمتی، در اختیار صاحب امتیاز قرار می گرفت. به علاوه گمرکات و آبیاری اراضی واحداث قنات و کانال ها برو پتر واگذار گردیده بود. یک چنین خیانت بزرگی که از طرف نماینده روشنفکران و آزادیخواهان ایران صورت گرفت، در بین توده مردم هیجان و اضطراب شدیدی بوجود آورد، تا جائیکه ناصرالدینشاه مجبور شد، میرزااحسین خان را معزول کند. زیرا چنین خیانتی نه تنها در هیچ کشوری سابقه نداشت، بلکه اگر در سرزمین دیگری غیر از ایران اجراء شده بود، نسل خاندان خائن از بین برده میشد. در حالیکه در کشور ما بازماندگان چنین رجال خیانت پشهای تا مدتها مصدر کار بودند و هرچه میخواستند میکردند، که گویی خیانت و بیگانه پرستی که در رگ و پوست آنان رسوخ یافته بود به عنوان میراث بیعضی از افراد نسل بعدی شان، نیز که دوران عمر آنان مصادف با عصر قاجار و حتی بعد از آن نیز سرایت کرده است مثلاً محمدحسین اصفهانی که از علافی و ذغال فروشی بصدارت خاقان مغفور فتحعلیشاه رسید مقام صدارت را از این بابت تحصیل کرده که سردهسته عمال انگلیسی در بار فتحعلیشاه بشمار می رفت و کارش تخصصه کردن سیاست میرزا بزرگ و قائم مقام بود و پسرش عبدالله خان امین الدوله به راد رسم پدر بزرگوار خویش قدم برداشت تا آنجا که در زمان قائم مقام به بین النهرین فراد کرد و خانواده ای در آنجا تشکیل داد و نوه همیق عبدالله خان صدر بود که در جریان اشغال بین النهرین بانگلیسها خدمت شایانی نمود و بعدها مقامات عالی پیدا کرد.

نکته ای که در خاتمه این مقال لازم بیادآوریمست، آنست که طبعاً هرگاه «حقوق بگیران خارجی» بخصوص «حقوق بگیران انگلیس» و خائنانی که نامشان در اوراق سیاه یا بیگانیها و اسناد دولتی ضبط شده است میدانستند که روزی مدارک خدمتشان به دست دستگاه های استعماری در بایگانی های را کد دولتها جمع شده و با قرار گرفتن در دست مراجعین انتشار خواهد یافت، شاید راه و رسم دیگری پیش می گرفتند و سعی گذاشتند تاریخ نام آنها را تا این اندازه بیدی و زشتی ببرد. اما تاریخ رحم ندارد و کار مورخ و محقق در درجه اول بیان واقعیات و حقایق است، چه شیرین و چه تلخ! بگفته یکی از دانشمندان «تاریخ را همواره یک صفحه در میان باید نوشت تا آیندگان بتوانند با تحقیقات خویش صفحات سفید

آنها پرکنند» و اکنون ما چنین کاری را کرده ایم و تا آنجا که مقدور بوده است، برخی از صفحات سفید زندگی سیاسی و اجتماعی بعضی از رجال عصر قاجار را نگاشته ایم. منتهی برای بعضی باسرف و افتخار و برای بعضی دیگر با تنگ و آلودگی، و این بیرحمی را که بزرگترین نمودار شهامت اخلاقی و شجاعت می و عشق به مهن است و طیفه ای راستین در قبال مردم کشور میدانیم. هنگام انتشار اولیه این اسناد و مدارک، واضح و ضیحی بود که بعضی از نوادگان و نیرگان اشخاصی که از آنان نامبرده شده بود، از انتشار اسناد مربوط به یک یا چند تن از پیشینیان خود آشفته گردیدند و نویسنده را هدف ترملاحت و تتهاب و حتی هتاک فرار دادند، ولی از این بابت هراسی بخود راه ندادیم، آنچه گفتیم و نوشته شد مجتبی سر سداد وزارت خارجه ایران و انگلیس و همچنین کتبی بود که بزبانهای مختلف نوشته شده و افسانه پردازی در آنها وجود ندارد. و این با خوانندگان بصبر و صاحب نظر و وطن دوست است که اهمیت آنها را بسنجند و نزد خویش نتیجه بگیرند و لاف این نکته محرز گردد که در انتشار آنها جز روشن شدن فصولی از تاریخ که فاصله آنها خیلی دور است هدف دیگری نبوده است.

اگر بعضی از گذشتگان ما طریق شرافتمندانه ای طی نکرده اند و نوادگان و نسرگانشان در برابر دفتر سیاه نیاکان خود قرار گرفته و شرمنده گشته اند نگاهشان به گردن هیچکس نیست. نسل جدید و آینده باید بداند که چه کسی مؤثر سیر و وزی اسلاف آنان در فرودن گناشته بوده اند. شاید دیگران نیز تجربه آموزند و باین حقیقت آگاه گردند که وفعت و حدیق را نمی توان از صفحه تاریخ نابود کرد و شاید باز این خود باعث گردد که کسان دیگر در پندار و کردار و فلسفه زندگی خود تجدید نظر کنند و تأمل بیشتری نمایند، تا در آینده رسوا و میاهکارشان نتوانند.

## نکاتی در مورد این کتاب

کتاب حقوق بگیران انگلیس در ایران برای بار دیگر آماده چاپ شده لیکن برای روشن شدن بعضی وقایع تاریخی و به غرض نرفتن اذهان عمومی، می بایست توضیحاتی بر آن افزوده گردد تا نس آئنده از کم و کیف آنها باخبر شود و قصه‌وت‌های بدون سند تاریخی را از دیگر فض و سها متمایز سازد. چه مؤلف در این کتاب در بعضی موارد که سندی تاریخی و مستقن بدست نیورده دیدگاه خود را حقیقت پنداشته و یا در مواردی گفتار و پندار دیگران را واقعیت دانسته و با پیروی از چنین مقالی نتیجه گیری‌های نادرستی کرده است و در این رابطه حق و باطل را بهم آمیخته که باید خوانندگان و پژوهشگران خود توجه کنند و خوب و بد را از هم مجزا سازند.

فی المثل ب وجود اینکه مؤلف در پیش گفتار خود در این کتاب روحانیون پاکدامن و متقی را از روحانی نمایان حقوق بگیر متمایز ساخته و صراحتاً نام بعضی از آنان را مانند شیخ مرتضی انصاری و سید کاظم یزدی بعنوان مظهر پرهیزکاری و وطن دوستی معرفی کرده و متذکر شده که «سرنمیه فرود نیاوردند» متأسفانه در متن کتاب این موضوع را رعایت نکرده و همه روحانیون را در یک صف قرار داده است، در صورتیکه محضر اغلب آنان من آیه الله خراسانی مدت‌ها محل تجمع کسانی بود که در راه آزادی و آزادیخواهی مبارزه می کردند و از صرف مال و جان نیز دریغ ننمودند.

نکته دیگری که قابل ذکر می باشد در همان پیش گفتار مؤلف در این کتاب چشمه می خورد راجع به موقوفات هندوستان است و مؤلف در صفحه ۱۱۰ این کتاب صراحتاً این موقوفات را برای ترویج و اشاعه مذهب تشیع و کمک به طلاب لازم دانسته ولی در متن کتب بدون ارائه سندی متذکر شده که انگلیس ها با در دست گرفتن این موقوفات، قسمتی

از آنها را در اختیار بعضی روحانیان هندی گذارده بودند و جالب اینکه باز متذکر شده که هنوز اسنادی بدست نیاورده و پندار خود و یا گفتار دیگران را ملاک عمل قرار داده در صورتیکه چه بسا با پیدا شدن اسنادی تمام وهم و خیالات مؤلف خطا جلوه کند. در ضمن این پندار پیش می آید که چرا موضوع موقوفات، درست بعد از واقعه سال ۱۳۴۲ در این کتاب بچاپ رسیده و توهماتی خلاف جهت حق و حقیقت در اذهان عمومی ایجاد نموده است. و در همین رابطه است که قدرت نفوذ انگلیس ها مطرح شده و تمام سرنخ ها با آن ربط داده شده است.

همچنین مؤلف، در موضوع شرح احوال آقاخان محلاتی او را یک روحانی شیاد خوانده در صورتی که اصولاً آقاخان روحانی بحساب نمی آید. همانطور که متذکر شدیم مؤلف گاهی دیدگاه خود و یا شایعات را مورد استناد قرار داده مثلاً در جایی در باره سیدجمال که برای روشن شدن وضع و روش فراماسونرها یکی دودفعه در جلسات آژان شرکت کرده تا شاید آنانرا ارشاد کند و از این راه باز دارد، نظرش بخطا رفته و سیدجمال را فراماسون معرفی کرده در صورتی که همه می دانند مرحوم سیدجمال غیر از ترقی مسلمانان و وحدت آنان و خارج کردن مسلمین جهان از زیر بار ظلم و ستم استعمارگران هدف و منظور دیگری نداشته و در همین راه هم زندگی خود را وقف کرده است.

<http://www.chtebayadkard.com>

در پایان مقال آنچه را که باید گفت این است که مؤلف چگونه این مقدار اسناد را بدست آورده و کدام دولت استعمارگر برای مقابله با دولت مقابل خویش این اسناد را در اختیار مؤلف قرار داده است.

چرا که می دانیم در آن زمان حضور ابرقدرت ها در ایران باعث خط مشی سیاست های مختلفی می شد که در اغلب موارد با یکدیگر نیز اصطکاک پیدا می کردند امیدواریم زمانی برسد تا با پیدا شدن اسناد جدید، حقیقت مقلطه کاری استعمارگران روشن شود و شیطنت های آنان برملا گردد تا نسل های آتی این مرزوبوم آنان را بهتر بشناسند و بتوانند نوشته های دور از حقیقت غرض ورزان را از وقایع اصلی تاریخ تمیز دهند.

در همین رابطه است که کتاب حاضر را بدون کم و کاست بچاپ رسانده ایم.



فتحعلیشاه

<http://www.chrebrayadkard.com>



## میرزا ابوالحسن خان ایلچی

<http://www.cheshmehadkard.com>

نخستین وزیر ایرانی که از دولت انگلستان و حکومت هندوستان حقوق و مقرری مرتب گرفت ، میرزا ابوالحسن خان شیرازی ایلچی معروف به ( خان ایلچی ) بود . میرزا ابوالحسن خان که دومین وزیر امور خارجه ایران است ، مدت سی و پنج سال ماهی یکهزارروپیه از دولت انگلستان و حکومت هندوستان حقوق دریافت میداشت . اعمال دوران سیاه وزارت و سفارت این مرد آنقدر تنگین و بیشرمانه است که جا دارد نام او را در ردیف خائنان درجه اول مملکت و مروجین فساد و رشوه خواری و جاسوسی بنفع اجانب ذکر کنیم . در دوران وزارت خارجه او ، معاهدات تنگین ترکمانچای و گلستان بایران تحصیل شد و آنچه که خواست انگلستان ، برای تضعیف میهن ما در برابر هندوستان بود انجام گردید .

در سالهایی که میرزا ابوالحسن خان ایلچی با گرفتن ماهی یکهزارروپیه مقرری ، وزیر امور خارجه ایران بود ، دولت انگلستان برای حفظ هندوستان احتیاج داشت که ایران را ضعیف ، تجزیه شده و حقیر به بیند تا این کشور قادر به حمله به هندوستان نباشد و میرزا ابوالحسن خان با گرفتن ماهی یکهزارروپیه این احتیاج انگلستان را بر آورد و سرانجام مأموریت او به تجزیه ایران منجر گردید .

میرزا ابوالحسن خان در سال ۱۲۲۴ هـ - ۱۸۱۰ م یعنی در روزهاییکه عسکرخان

ارومی افشار اولین فراماسون ایرانی ، مورد غضب ویی اعتنائی فتحعلیشاه قرار گرفته و بایران احضار شده بود- در لندن بصورت لژ فراماسونری انگلستان درآمد و آنچه را که این دومین فراماسون ایرانی در مدت ۳۵ سال انجام داد ، همه بزبان ایران و بسود سیاست بریتانیا بود .

برای آشنائی بیشتر با این پیشاهنگک ترویج قناد و رشوه خواری و نوکری اجانب ، اوراق زندگی و شجره نامه او را بررسی می کنیم :

میرزا ابوالحسن خان پسر دوم میرزا محمدعلی - یکی از منشیان حکومت نادر شاه افشار است . محمد علی در سال ۱۱۹۰ هـ . ۱۷۷۶ م در شیراز متولد شده و در دستگاه پدرش پرورش یافته بود . در شبی که نادرشاه کشته شد ، میرزا محمد علی در زندان بسر میبرد و قرار بود روز بعد بجرم خیانت بنادرشاه ، او را زنده در آتش بسوزانند . پس از اینکه نادر بقتل رسید ، میرزا محمد علی هم از مرگ وحشتناک در شعله های آتش رهایی یافت ، و در عهد کریمخان زند نیز در خدمت او میزیست تا اینکه در اواخر سلطنت این پادشاه بندود حیات گفت .

خواهر حاجی ابراهیم کلانتر شیرازی در عقد میرزا محمد علی بود و میرزا ابوالحسن خان نخستین حقوق بگیر مورد بحث ما پسر همین زن و خواهرزاده کلانتر شیرازی است . بعدها حاجی ابراهیم دختر خود را هم بزوجیت خواهرزاده خویش - یعنی میرزا ابوالحسن خان - در آورد . زن حاجی ابراهیم دو خواهر داشت که یکی به عقد محمدتقی میرزا حام السلطنه (۱۲۰۶ - ۱۲۶۵) پسر فتحعلیشاه درآمد و دیگری همسر حاجی محمد حسین خان امین الدوله صدر اصفهانی شد که در ۱۲۳۴ هـ . ۱۸۱۸ م بصدارت فتحعلی شاه رسید و تا ۱۲۳۹ هـ . ۱۸۲۳ م که سال فوت اوست ، در همین مقام باقی بود .

در سال ۱۲۱۵ هـ . ۱۸۰۰ م که فتحعلیشاه ، حاجی ابراهیم را از صدارت معزول و زندانی ساخت ، همه بستگان او را اسیر و مقتول ، با کور و متوازی شدند . میرزا ابوالحسن خان نیز که حاکم شوشتر بود اسیر و مطهران اعزام شد . فتحعلیشاه قصد داشت او را بقتل برساند ، ولی با وساطت درباریان میرزا ابوالحسن خان از مرگ نجات یافت

و بصورت تبعید مجبور باقامت در شیراز شد. اما میرزا باکمک انگلیسها از راه بصره به هند رفت و در بمبئی اقامت گزید. در سال ۱۲۲۳ هـ . ۱۸۰۸ م پس از اینکه صدر اسفهانى وساطت او را کرد از بمبئی به تهران آمد و سال بعد بعنوان ایلچی مخصوص از تهران با تفاق «جیمز موریه» مثنی سفارت انگلیس<sup>۱</sup> روانه لندن شد و از راه گرجستان، ارمنستان، آناتولی و قسطنطنیه با کشتی مخصوص نیروی دریائی انگلستان بنام Frigate به جزیره مالت و از آنجا از راه تنگه جبل الطارق با انگلستان رفت<sup>۲</sup>.

هنوز چند ماه از اقامت میرزا ابوالحسن خان در لندن نمیگذشت که مجله فراماسونری «ماسونیک»<sup>۳</sup> ضمن چاپ عکس او شرح بسیار مفصلي درباره رفتار و حرکات «خان ایلچی» نگاشت و با لقب «عالیجناب» از او نام برد. ما اکنون متن این مقاله جالب را در دست داریم، مجله فراماسونری می نویسد: از وقتیکه - عالیجناب - با انگلستان رسید نهایت کوشش از طرف وزرای دولت پادشاهی انگلستان بعمل آمد، تا به فرستاده پادشاه ایران بد نگردد. دولت انگلیس سرگودا زلی را که از همان تاریخ بعنوان سفیر پادشاهی انگلستان در تهران انتخاب شده بود با تعلیمات لازم بعنوان مهماندار<sup>۴</sup> تعیین کرد. میرزا ابوالحسن بکرات از نوع پذیرائی و احتراماتی که برایش معمول داشته بودند، قدردانی و اظهار رضایت نموده و از مهربانی مأموران پذیرائیش برای عموم حکایتها کرده است. عالیجناب با اینکه مسلمانی مکلف بود، ولی هرگز از امتیاز مخصوص دین خود - که استفاده از تعداد زوجات باشد - بهره نگرفته و فقط يك زن انتخاب کرده است و از

۱- نویسنده کتابهای «مروف» حاجی بابای اسفهانى، و «حاجی بابا در لندن» که باطنی تند و اهانت بار نسبت با ایرانیان نگاشته شده و گفته میشود رفتار میرزا الهام بخش او در نگارش این کتابها بوده است.

۲- European Magazine

۳- مجله فراماسونری لندن - جون - ۱۸۱۰

۴- مجله فراماسونری درباره کلمه مهماندار می نویسد: «Mehmandar» لفظی است که از اردو گرفته شده و به کسی میگویند که افسری عالیترتبه است و وظیفه اش پذیرائی و نگاهداری شاهزادگان و زعمای متشخص کشورهای بیگانه میباشد.

آن زن نیز ناآنجا که ما میدانیم بیش از یک فرزند ندارد. آنچه مایه اعجاب همگان شده، اینست که نامبرده ظرف چند هفته و با بهتر بگوئیم یکی دو ماه بروانی زبان انگلیسی را یاد گرفته و با آن تکلم میکند. ایشان به زبانهای ترکی استانبولی و هندی نیز بخوبی تکلم میکند. سفیر ایران قندبلند، هیکلی تنومند و قهرمانانه دارد، چشم هایش نافذ و گویا و دندانهایش سفید و زیباست و در صورتش ریش انبوه سیاه رنگی دیده میشود...»<sup>۱</sup>

مجله وزارت امور خارجه ایران بر خلاف مجله ماسونیک، میرزا را بعزت حرکات عجیب و غریبش سرزنش کرده و نوشته است: «از میرزا ابوالحسن خان در طی این مسافرت بعزت آشنا نبودن با آداب فرنگی بعضی حرکات و اطواری که پیش فرنگیان مضحك جلوه میکرد ناشی شده است که در آن تاریخ جالب نظر بوده و جیمز موریه که اغلب ایرانیان از بد نفسی و دست و زبان او در عذاب بودند، این حرکات سفیر ایران را بهانه قرار داده و کتاب مشهور خود یعنی «داستان حاجی بابا اصفهانی» و «حاجی بابا در لندن» را نوشته است. این دو کتاب سراپا غرض آلود و برای ایرانیان موهن است از نکات جالب دوران اقامت میرزا در لندن ماجرای عشق او به دختر لرد «کاستری»، وزیر خارجه انگلیس است. کتاب «حیرت نامه» که در کتابخانه وزارت خارجه ضبط است درباره عشق خزن ایلچی مینوید: از عشق این دوشیزه انگلیسی میرزا مرتباً گریه میکرد و غزل حافظ میخوانده است و ضمناً در همین کیر و دار حوادث عشقی می - خواسته است معضلات سیاسی مملکتی را نیز بوسیله این حرکات حل و فصل کند...»<sup>۲</sup>

عضویت در لژ

فراماسونری

سرگور اوژلی بارت<sup>۳</sup> مهماندار میرزا ابوالحسن که خود از روسای فراماسونری بود، خیلی زود «ایلچی کبیر ایران» را شناخت و او را برای ورود به حلقه برادران فراماسون مناسب و لازم تشخیص داد. زیرا ایلچی ایران هنگامیکه طفل خرد سالی بود، هم از حیانت

۱ - مجله فراماسونری لندن - جون ۱۸۶۰ -

۲ - مجله وزارت خارجه - ص ۳۰ شماره ۲ سال اول ۱۳۲۸



میرزا ابوالحسن معسروف به ایلچی

پدرش به نادرشاه مطلع شده و همه دقایق اضطراب آوری را که در انتظار مرگ فجع و سوزناک پدرش بود با ناراحتی تحمل کرده و کینه شاه ایران را بدل گرفته بود. او هنگامیکه نخستین مقام دولتی را بدست آورد و در شوشتر سر میبرد، باردیگر عفریت مرگ را بر فراز سر خود احساس کرده بود. این حوادث او را برای هرگونه خیانتی نسبت بایران و شاه ایران آماده کرده و بهمین جهت بسادگی در دامان « فراماسون » و « سازمان جاسوسی » انگلستان جای گرفت.

میرزا ابوالحسن خان مثل میرزا عسکرخان خیلی زود همه مراحل فراماسونری را طی کرده و در مدت بسیار کوتاهی مقام برادر بسیار ارجمند - Past Grand Master - را نیز بدست آورد. نشریات فراماسونری که همه جا با احترام و با ذکر لقب (عالیجناب) از او نام میبرند، در باره عضویتش در لژ فراماسونری انگلند که بزرگترین لژ این کشور است چنین مینویسند:

بنابر مقدمات و مراسم تاریخی فراماسونری روز ۱۵ ژوئن ۱۸۱۰<sup>۱</sup> عالیجناب میرزا ابوالحسن خان عضویت لژ فراماسونری در آمد. روزیکه او فراماسون شد ۳۵ نفر از اعضاء اصلی لژ ۵ مهمان عالیقدر از لژهای معروف انگلستان که لرد « مویرا »<sup>۲</sup> و دوک سوسکس<sup>۳</sup> نیز جزو آنها بودند با شکوه و جلال زیادی مراسم را انجام دادند.<sup>۴</sup>

**تقسیم تحف و هدایا**  
همینکه میرزا ابوالحسن خان حلقه برادری ماسونیک را بگردن نهاد و حاضر شد سرسپرده و مطیع اوامر انگلستان در ایران شود، مقدمات سفر با طمطراق و پرزرق و برق او را بایران فراهم کردند. دولت انگلیس برای اینکه از این « غلام مطیع » خود حداکثر

۱ - در همه تواریخ روز عضویت میرزا ۱۵ ژوئن نوشته شده ولی آقای مشیری از لندن در محله خواندنیها این روز را ۱۴ ژوئن ۱۸۱۰ ثبت کرده است.

۲ - Lord moiria

۳ - The duke of Sussex

۴ - نشریات فراماسونری که در آن جریان عضویت میرزا ابوالحسن خان را منعکس کرده اند عبارتند از: مجله فراماسونری - آینه ماسونیک - مجله اروپائی - تاریخ فراماسونری در جهان - دائرة المعارف فراماسونری.

استفاده را ببرد ، موافقت کرد که همراه میرزا ابوالحسن خان مقدار زیادی هدایا و تحفه و پول نقد برای تقسیم بین درباریان ارسال گردد . سرگوراوزلی بارت نیز با همکاری و همفکری میرزا ، امتیازات زیادی از دولت انگلستان گرفت و بدینترتیب با هدایا و تحفه فراوان از انگلستان بطرف ایران حرکت کردند .

یک قرن پس از این ماجرای ننگین که سر آغاز پرداخت رشوه بوجاه ایرانی و ترویج فساد در دربار قاجاریه بوسیله انگلیسها بود ، ویلسن شرق شناس انگلیسی از میان اوراق و اسناد لرد ملویل<sup>۱</sup> نامه های سرگور اوزلی را که حاکی از پرداخت رشوه هدیه و تحفه بدارباریان و شخص میرزا ابوالحسن خان است بدست آورده و بصورت کتابچهای منتشر کرد .

این اسناد که بین اداره هند شرقی ، وزارت خارجه انگلستان ، نایب السلطنه هند و سرگوراوزلی رد و بدل شده است ، نشان میدهد که انگلیسها با کمک میرزا ابوالحسن خان و با دادن رشوه و تحفه حتی به غلامان و نوکرهای درباری و شخص میرزا ، چگونه مقدمات نوکری و سرسپردگی همه درباریان فتحعلیشاه را فراهم ساختند . با نقل این اسناد شرم آور قسمت کوچکی از عملیات انگلیسها و عمال کثیف آنها فاش میشود ، باشد که موجب عبرت ما و آیندگان گردد و بدانند که اگر امروز خدای ناخواسته نسبت به مملکت خیانتی صورت بگیرد و در پشت پرده های اختفا و استتار پنهان می ماند ، فردا که سفیر مرد ، اسناد رسوائی خائنین بر ملا خواهد شد .

اینک نامه ها :

نمبر ۶ - اداره هند شرقی - ۳۰ مه ۱۸۱۰

آقای محترم

دقت خیریم که رو نوشت دو نامه خصوصی را که از طرف سرگوراوزلی بعنوان متصدی این اداره رسیده است ، برای اطلاع جنابعالی تقدیم داریم . یکی از نامه ها با ملاحظه دستور جنابعالی مبنی بر تصویب و پرداخت مخارج متفرقه که بعنوان انعام بنوکرهای میرزا و

۱ - اسناد لرد ملویل در کتابی بنام «نامه های سیاسی سفیر بریتانیا در ایران» منتشر شده است .

دیگر در باریان ایران داده می‌شد بایشان نوشته شده و نامه دیگر بطوری که ملاحظه میشود نظر موافقت آمیز سرگور اوزلی است. بادر نظر گرفتن وضع فعلی که هر روز بعنوان مختلف اشخاص محترمی بایران اعزام شده و احتیاجات مالی افزوده میگردد، وظیفه خود می‌دانیم که باطلاع برسانیم برای اجرای دستورات باوضع مشکلی مواجه شده‌ایم. چه وجوه اختصاصی کمپانی شرقی فقط وقتی قابل پرداخت است که از طرف هیئت رئیسه امور هندوستان تصویب بشود، زیرا این هیئت تنها مقام صلاحیتدار است که میتواند پرداخت مخارج سیاسی را دستور بدهد.

باید معلوم کرد که آیا لازم است در نظایر و امثال این موضوع هم موافقت هیئت مدیره را جلب نمود؟ عقیده شخصی اینجانبان این است که وقتی شخصی از طرف اعلیحضرت بعنوان سفارت در دربار تهران تعیین میشود باید بهای پیشکشهایی که همراه سفیر فرستاده میشود که در موقع معرفی خورد بدربار ایران تقدیم نماید از بودجه عمومی پرداخته شود.



سرگور اوزلی



درباره نو سرهای میرزا نیز میتوان همین روبه را اجراء نمود . البته تصمیم باجرای این عقیده شخصی نداشته ، منتظر اعلام نظر از طرف جنابعالی هستیم .

ضمناً معلوم فرمائید آیا بیتر نیست که هزینه افسران و مأمورین مخصوص که از این کشور بایران اعزام میشوند ، از بودجه کشور پرداخت شود ، زیرا میزان علاقه کمپانی شرقی نیز بهمان نسبت و اندازه علائق و منافع عمومی است . واضح است که این مؤسسه هر قدر عضو اداری و مأمور مخصوص که از هندوستان برای خدمت ایران لازم باشد تقبل کنند ...<sup>۱</sup>

مفتخریم آقا که خدمتگذار صمیمی شما هستیم . و بنیام استیل - زاکوب بونه انکت جناب جلالتمآب ربرت نداس بالقابه .

ضمیمه این نامه ، نامه زیر نیز فرستاده شد:

نمره ۷ - رونوشت شماره ۱۵ کوچه پارك ۲۶ مه ۱۸۹۰

<http://www.chebayadkard.com>

آقای محترم

دریافت نامه ملامت آمیز مورخه بیست و چهارم باعث مسرت گردید ، خوشوقتم باطلاع جنابعالی برسانم ، میرزا و اینجناب بخوبی میدانیم که جلب توجه محبت آمیز جنابعالی متضمن تأخیر است ، ولی دلائل بسیار مهمی وادار میکند که توجه مخصوص را در اینموقع استدعا نمایم . کارهای مختصری هست که مرتب کردن آنها (که تصور میکنم در يك هفته انجام شود) مانع حرکت فوری خواهد بود ، مگر اینکه برای موافقت هیئت مدیره بادرخواستهای شاه ایران ناچار به تأخیر بیشتر باشیم ...<sup>۲</sup>

باکمال احترام طی یادداشتی صورت اشیاء مورد احتیاج را که تهیه و خرید آنها تحت نظر میرزا انجام خواهد شد پیوست مینمائیم که بعد از دریافت جواب موافقت-

۱- سپس نویسنده نامه درباره ساختمان و بنای سفارت در تهران نظراتی ابراز میدارد

که تکرار آنها در این بحث زائد بنظر میرسد .

۲- نویسنده نامه درباره استخدام افسران نظامی اطلاعاتی به ویلیام استیل داده است-

آمیز فوری اقدام بشود و همچنین صورتی از نام نوکرهای ایرانی نیز که همگی در يك ردیف بوده و مبلغ مساوی دریافت میدارند ، تقدیم می‌دارد.

اطمینان میدهم که در نهایت احترام صمیمی شما هستم - گوراوزلی  
به آقای ویلیام استیل بالقابه .

۶۰ پوند	کارد و چنگال مبلغ تخمینی
۲۰۰	انواع کاغذ - مداد و غیره
۱۰۰	جای لباس زنانه - لوازم التحریر و میزگر
۱۵۰	مطبوعات کتابها و نقشه‌ها جمعیه اسباب نقشه کشی
۷۰	قوطی رنگ و قوطی عینک و غیره
۵۸۰	جمع در حدود

مخارج نوکرهای میرزا ابولحسن :

۵۰ پوند	کربلانی حسن
»	محمد علی بيك
»	غلامحسین
»	هاشم
»	محمد رحیم
»	حسین
»	حاجی عبدالله
»	صادق
۴۰۰ پوند	جمع

نمره ۸ - شماره ۱۶ کوچه پارك

خصوصی دوشنبه ۲۸ مه ۱۸۹۰

آقای محترم

امیدوارم اقدامات و تذکراتی را که گاهگاهی در نتیجه صحبت با میرزا پیشنهاد

میشود باحسن قبول تلقی خواهید فرمود . اطلاع حاصل کرده‌ام که شاه ایران آئینه‌های بزرگی را بسیار دوست دارد . اکنون که سفیر او به کمپانی معرفی شده‌است ، بجا خواهد بود که دو زوج از بزرگترین آئینه‌هایی که تا کنون در شرق دیده شده ، برای او فرستاده شود .

پس از رسیدن آئینه‌ها بیوشهر ، شاه برای آوردن آنها دستور خواهد داد و این موضوع سبب صرفه‌جویی مبلغ زیادی از هزینه خواهد شد . تصور میکنم دو وزیری که تنها مشاور شاه هستند و در صدد تهیه و ارسال نامه بعنوان آنها میباشید ، انتظار دارند نامه‌ها با تحف و هدایا همراه باشد . در خصوص جنس این هدایا صورتی تقدیم داشته‌ام . برخی از اشیائی که در صورت نامبرده شده با چند تکه زری و موسلین و غیره که تهیه آنها در بعضی باسانی ممکن است ، کافی خواهد بود . مخصوصاً ماهوت ، رنگهای شنگرفی ، آبی ، سبز پر رنگ هدیه مناسبی است که مورد پسند خواهد بود . ولی نمی‌توان از پارچه‌ها زیاد تقسیم کرد . و پس از اینکه میرزا را بانبار پارچه هدایت کردم ، معلوم شد پارچه‌های ماهوت درجه یک از همان قسم که ما می‌پوشیم ، بهترین و شایسته‌ترین هدایا بوده و بهتر است که بجای یک تکه ، بقواره‌های ۲۱ یاردی تقسیم شود . اطمینان میدهم این مخارج که تحت نظر اینجناب میشود بیهوده و بی نتیجه نخواهد بود .

قبلاً بارها به سلف شما و خود شما متذکر بوده‌ام که باید بمیرزا ابوالحسن خان مبلغی بهمان میزان که به محمد نبی خان و سایرین پرداخت میشده داده شود ، زیرا این شخص در اینجا برای نزدیک شدن بشخص اول مملکت خطرات زیاد و اقدامات مشکوک نتیجه‌ای را متحمل شده . درحالیکه مأمورین قبل از اوقف مأموریتشان نزد مأمورین شما در هندوستان بوده است . از این جهت معتقدم مبلغ مشابهی ( هزار روپیه در ماه ) باو باید داده شود و این مبلغ کافی خواهد بود که او را برای همیشه علاقمند و وابسته بملائق کمپانی محترم بنماید و این وجه قلیلی است که کاملاً بجا خرج شده است . درعین حال توصیه میکنم که این وجه باید از طریق دیگری داده شود که همواره در اختیار سفیر باشد ، تا هر وقت که رفتار میرزا مخالف انتظار بود و آنچنانکه شایسته‌است سودمند و قابل استفاده.

نیود مستقری قطع شود. <http://www.chebayadkard.com>

اطلاع دارم که کمپانی پرداخت نظیر این مخارج را تعریب نمی‌کند، ولی چنانکه نامه‌ای بفرماندار کل بفرماندار بمبئی بنویسد، جواب کافی و موافق دریافت خواهید فرمود. چه آنان همواره دستور شما و معاونان را با کمال افتخار اجابت مینمایند و این مقرری برقرار خواهد گردید و میرزا انتظار دارد که این مقرری از روزی که مأموریت یافته و یا لااقل از روز ورود بانگلستان در وجه او پرداخت شود. از این مزاحمت خود معذرت می‌خواهم اما منافع کمپانی محترم هند شرقی را همیشه وظیفه خود میدانم.

سرگور اوزلی

در این دوران طراحان سیاسی انگلیس برای پی‌ریزی کامل و استوار سیاست خود در ایران، وجود سازمان فراماسونری و فراماسون شدن ایرانیها و اعزام فراماسونهای انگلیسی بایران را لازم می‌دانستند.

### فراماسون شدن درباریان

از این پس اغلب سفرای انگلیس که بایران می‌آمدند حلقه برادری فراماسونری را بگردن داشتند. آنها در ایران حلقه‌های برادری متعددی بگردن رجال و بزرگان و درباریان ایران می‌افکندند و آنان را بنام می‌کشیدند. در مدت ۹ ماهی که میرزا ابوالحسن خان ایلچی در لندن بود، سرگور اوزلی، استاد اعظم فراماسونری مه‌اندازش بود و بعد هم خود او بجای «سرهارد فور دجوتز» بعنوان سفیر در ایران تعیین شد. در این ۹ ماه میرزا ابوالحسن خان عوض شده بود. او به حلقه برادران فراماسونری پیوسته، و کسی نیز که از لندن تا تهران همراهیش می‌کرد (استاد اعظم ماسونی) بود.

«اوزلی - ایلچی» در ایران مأمور تشکیل لژ فراماسونی بودند، ولی آنها تاجه اندازه موفق بانجام این مأموریت شدند، حتی خود سازمانهای فراماسونی انگلستان و نویسندگان تواریخ فراماسونری نیز در این مورد شك دارند. مهمترین تاریخ فراماسونری جهانی را «گاولد» انگلیسی نوشته که از ۱۸۷۵ تا کنون چندین بار در مجلدات مختلف بچاپ رسیده است. بعد از این نویسندگان انگلیسی، هر يك از نویسندگان ماسونی جهانی،

که تاریخ فراماسونری، دائرة المعارف فراماسونی، راهنمای فراماسونی و غیره را نوشته اند، بیشتر آنها مطالب خود را از نوشته های «رابرت فردریک گاولد» اقتباس کرده اند. درباره فراماسونری در ایران نیز این نظریه صادق است، زیرا در اکثر کتب ماسونی که بعد از گاولد نوشته شده، وقتی به کلمه «ایران» رسیده اند عین شرحی را که گاولد نوشته است نقل کرده اند.

«رابرت گاولد» درباره مأموریت ماسونی او زلی در ایران و فراماسون شدن میرزا ابوالحسن خان چنین می نویسد: «بموجب اسناد مورخین فراماسونری در روز ۱۵ ژوئن ۱۸۱۰ عالیجناب ابوالحسن خان بافتخار دریافت مقام Past grand master لژ بزرگ انگلستان نائل گردیده است. این شخص از طرف دربار ایران بعنوان وزیر مختار بدربار انگلیس اعزام گردیده بود. او برادری عالیقدر در هندوستان و عربستان میباشد، زیرا او در مکه نیز مراتب عبودیت را انجام داده بود. در طول مسافرتش از تهران وی از ارمنستان و آناتولی عبور کرده بود. در قسطنطنیه وی سوار ناو جنگی انگلیس شده و در ماه دسامبر ۱۸۰۹ به انگلستان وارد شده است.

سرگور او زلی بارت بعنوان مهماندار برای پذیرائی از او انتخاب شده بود. وی افسر عالی رتبه ای بود که وظیفه اش پذیرائی شاهزادگان و سایر شخصیت های برجسته و بارز خارجی می بود.

در سال بعد (۱۸۱۰) وی موفق بدریافت مقام سفارت کبری در ایران گردید و نیز بافتخار دریافت مقام ریاست فراماسونری منطقه ای برای ایران (Provincial grand master) نائل گردید. ولی بهر حال لژ اعظم انگلستان و یا مقام دیگری تا آنجائی که شواهد و دلایل نشان می دهد اقدام به تأسیس لژ در ایران ننموده است.

میرزا ابوالحسن خان در سال ۱۸۱۰ بوسیله لرد موریا بصورت فراماسونری درآمد. میزان خدمات این شخص به فراماسونری را باید مکتوم داشت، ولی ضمناً باید خاطر نشان ساخت که طبق متدرجات اخیر مجله فراماسونری و بنا به اظهار شخصیت نظامی که آنوقت در برلن مشغول تحصیل بوده تمام اعضای دربار سلطنتی در تهران برادران

جمعیت ما میباشند . بیک مسلمان نیز پس از آزمایش و امتحانات لازم اجازه داده شد در لژ برلین عضویت درآید ...<sup>۱</sup>

توجه بهسطور فوق این نکته را آشکار می کند که دو استاد اعظم ماسونی انگلستان (اوزلی - ایلچی) که مأموریت تشکیل لژ در ایران را بعهده داشته اند ، چندان توجهی باین مأموریت نشان نداده اند . زیرا این نویسندگان تاریخ فراماسونی جهانی که دسترسی باسناد ماسونیک انگلستان داشته ، هیچگونه شواهدی در زمینه تأسیس لژ در تهران بدست نیاورده است . اما در عین حال این دو «ماسون» در فراماسون کردن درباریان ایران و انداختن حلقه برادری ماسونی بگردن «اعضای دربار سلطنتی در تهران» کوتاهی نکرده اند ، تا جایی که نویسندگان ماسوتی مدعی هستند که «تمام اعضای دربار» فراماسون هستند . این یادآوری مورخان فراماسونری ، نشانه اینست که (اوزلی - ایلچی) برای بدام انداختن درباریان و دستگاه حاکمه ایران و برای فراماسون کردن آنها از هیچگونه تلاشی و کوششی خودداری نموده اند و بدینوسیله و در زیر نام فراماسونری ، حلقه اسارت دستگاه حاکمه ایران را مستحکم کرده و از آنها برای پیش بردن مقاصد خود بهره - برداری کرده اند .

وقتی میرزا ابوالحسن از مرحیت آماده خدمتگذاری تعیین مقرری و حقوق  
بانگلستان شد ، او را روانه ایران کردند . در دوران سفارت  
ماهانه

«چونز» قرار شده بود ، دولت انگلستان سالیانه ۱۲۰ هزار تومان بعنوان کمک جنگی ایران در روسیه «وام بلاعوض» بایران بدهد ، ولی (اوزلی ایلچی) یک حواله سالی ۲۰۰ هزار تومان برای کمک به شاه ایران و سازمان جنگی ایران بهمراه داشتند . دولت انگلیس به فرمانفرمای هندوستان توصیه کرده بود ، تا برای خود ایلچی نیز مبلغی مقرری تعیین کنند<sup>۲</sup> و بطوریکه خواهد آمد ، این مقرری برای او تعیین گردید . دولت انگلیس برای اینکه ایلچی را بیش از نزدیک کند و در رأس

۱- ص ۳۲۸ جلد ششم چاپ ۱۸۸۲ تاریخ فراماسونری جهان .

۲ - ناسخ التواریخ وقایع سال ۱۲۲۶